

تأثیر مکانیزم های حاکمیت شرکتی بر تجدید ارائه های حسابداری

محمد علی باقرپور
ولاشانی*
حسین اعتمادی**
مهدی امیدفر***

چکیده

این تحقیق به بررسی ارتباط میان خصوصیات حاکمیتی شرکت ها و تجدید ارائه سود حسابداری می پردازد. انتخاب این موضوع به دلیل حجم گسترده تجدید ارائه ها در بازار سرمایه ایران می باشد. محققان معتقدند که تجدید ارائه ها نشانه مشهودی از کیفیت گزارشگری پایین شرکت ها می باشد. بدین منظور، مطابق تحقیقات گذشته و با در نظر گرفتن شرایط ایران یک سری از خصوصیات مهم حاکمیتی شرکت ها شامل ساختار هیئت مدیره، ساختار مالکیت، ساختار حسابرسی و ساختار سرمایه به همراه ویژگی های مهم مالی آنها شامل سودآوری، نقدینگی و عمومی شرکت که می توانند بر کیفیت گزارشگری مالی تأثیر گذاشته، انتخاب و به بررسی رابطه آنها با تجدید ارائه ها پرداخته شد. مطابق اطلاعات اس تخراج شده از صورت های مالی شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای دوره زمانی ۱۳۸۸-۱۳۸۳، نتایج رگرسیون تحقیق نشان می دهد که تغییر مدیرعامل، تغییر حسابرس، تخصص صنعت حسابرس، اندازه حسابرس و بزرگترین سهامدار به همراه برخی خصوصیات مالی شرکت ها شامل نسبت جریان وجوه نقد عملیاتی، نسبت نقدینگی و اندازه شرکت از عوامل موثر بر احتمال وقوع تجدید ارائه های سود در بازار سرمایه ایران می باشند. بنابراین، یافته های این تحقیق از این عقیده که مکانیزم های حاکمیت شرکتی راه علاجی برای بهبود کیفیت گزارشگری مالی می باشد، حمایت می کند.

واژگان کلیدی: حاکمیت شرکتی، تجدید ارائه های حسابداری، کیفیت گزارشگری مالی، کیفیت حسابرسی.

* استادیار گروه حسابداری، دانشگاه فردوسی مشهد، نویسنده مسئول:
Bagherpour@um.ac.ir

** دانشیار حسابداری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران،

*** دانشجوی دکتری حسابداری، دانشگاه فردوسی مشهد

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۱/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۳/۱۸

مقدمه

روح فزاینده تجدیدارائه سود حسابداری توجه قابل ملاحظه ای از طرف دانشگایان به خود جلب کرده است (پلوملی و یون^۱، ۲۰۱۰). تجدیدارائه حسابداری، در واقع تصحیح اشتباهات حسابداری رخ داده شده بواسطه بی دقتی یا بوسیله مدیران فرصت طلب؛ توصیف می شود؛ که توان تحت تاثیر قرار دادن اعت ماد و تصمیمات ذینفعان را دارد (بابر^۲ و م.ه، ۲۰۰۶). تجدیدارائه مالی، ضعف جدی گزارشگری مالی را نشان داده و واکنش شدید بازار را به دنبال دارد (اخیج^۳ و م.ه، ۲۰۰۵).

تحقیقات رو به رشدی وجود دارد که نشان می دهند مکانیزم های حاکمیت شرکتی راه علاجی برای بهبود کیفیت گزارشگری مالی می باشد (برای مثال: لیگو^۴، ۲۰۰۳؛ اقبال و استرونک^۵، ۲۰۱۰). در اغلب تحقیقات آشکار شده است که مکانیزم های حاکمیت شرکتی خوب، نظارت بیشتری بر فرایند گزارشگری مالی اعمال نموده و با سود گزارش شده ای که بار اطلاعاتی بیشتری دارد، مرتبط می باشد (بینیچ: پرگولا^۶، ۲۰۰۶). شرکت های تجدیدارائه ای، ساختار حاکمیت شرکتی ضعیف تری را رند (بینیچ: افندی^۷ و م.ه، ۲۰۰۴). هدف این مطالعه بررسی ارتباط میان خصوصیات مختلف حاکمیت شرکتی، به عنوان عوامل محدود کننده، با تجدیدارائه های سود حسابداری در بازار سرمایه ایران می باشد. مطابق عبدالله^۸ و م.ه (۲۰۱۰) مطالعه اندکی در خصوص ارتباط بین مکانیزم های حاکمیت شرکتی و تجدیدارائه های حسابداری در بین کشورهای توسعه یافته و بخصوص در کشورهای در حال توسعه صورت گرفته است. همانند مطالعه اقبال و استرونک (۲۰۱۰)، در این تحقیق از ۴ معیار حاکمیت شرکتی در قالب دو دسته مکانیزم های داخلی (ساختار هیات مدیره و سرمایه) و مکانیزم های بیرونی (ساختار مالکیت و حسابرسی) استفاده شده است.

داده های لازم برای این مطالعه از گزارش های سالانه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای یک دوره ۶ ساله (۱۳۸۸-۱۳۸۳) جمع آوری گردیده است. نتایج بدست آمده نشان می دهد که برخی خصوصیات حاکمیتی شامل تغییر مدیرعامل،

1 - Plumlee & Yohn
2 - Baber
3 - Akhigbe
4 - Ligu
5 - Iqbal & Strong
6 - Pergola
7 - Efendi
8 - Abdullah

تغییر حسابرِس، نوع حسابرِس، تخصص صنعت حسابرِس و بزرگترین سهامدار؛ به همراه برخی خصوصیات مالی شرکت‌ها شامل نسبت جریان وجه نقد عملیاتی، نسبت نقدینگی و اندازه شرکت از عوامل تبیین‌کننده تجدیدارائه‌های حسابداری در محیط بازار سرمایه ایران می‌باشند. در بخش بعد مبانی نظری و بسط فرضیات تحقیق و پس از آن مبانی و روش انجام تحقیق تشریح می‌شود. در بخش چهارم، آمار توصیفی تحقیق ارائه سپس به تجزیه و تحلیل نتایج و انجام یک سری آزمون‌های اضافی پرداخته می‌شود. در نهایت، این مطالعه با نتیجه‌گیری و دستاوردهای تحقیق پایان می‌یابد.

مبانی نظری و بسط فرضیات تحقیق

۲.۱ مبانی نظری

از بعد تئوری نمایندگی، شرکت به عنوان یک حلقه ارتباطی یا شبکه ای از قراردادها، ضمنی و صریح، میان گروه‌های مختلف یا ذینفعان؛ مدنظر گرفته می‌شود (پرگولا، ۲۰۰۶). از آنجا که ساختار جبران ادعای انواع مختلف ذینفعان متفاوت است، هماهنگی (هم راستا کردن) و برآوردن منافع همه آنها دشوار است. این امر منجر به تضاد منافع بالقوه میان ذینفعان می‌شود که این تضادهای انگیزشی، بع نوان "مسئله نمایندگی (نماینده - عامل)" شناخته شده است (جان و سنبت^۱، ۱۹۹۸). اکثر تحقیقات دانشگاهی در این حوزه، متمرکز بر این موضوع است که چگونه مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی طراحی شده که به نحوی که مدیران بهترین انتخاب‌ها را جهت بهبود عملکرد شرکت داشته باشند. مطالعات خیلی کمی در خصوص ارتباط بین مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی و تجدیدارائه‌های حسابداری بخصوص در کشورهای در حال توسعه؛ صورت گرفته است (عبداله و ه.م، ۲۰۱۰). برخی تحقیقات فرض می‌کنند که تجدیدارائه‌ها مدیریت سود را منعکس می‌نمایند (مانند: اگراوال و چدها^۲، ۲۰۰۵). به اعتقاد محققان تجدیدارائه‌ها احتمالاً یک شاخص قابل اتکاتری از فعالیت مدیریت سود می‌باشد (اگراوال و کوپر^۳، ۲۰۰۸). این مطالعه مطابق تحقیقات گذشته (مانند: اگراوال و چدها، ۲۰۰۵؛ هنینگر^۴ و ه.م، ۲۰۰۹)، بر مکانیزم‌های مختلف حاکمیت شرکتی به عنوان یک روش کاهنده تجدیدارائه‌ها تمرکز دارد. مطابق نتایج به دست آمده گذشته، انتظار می‌رود که مکانیزم‌های حاکمیتی خوب، موجب کاهش

1 - John & Senbet
2 - Agrawal & Chandha
3 - Agrawal & Cooper
4 - Heninger

تجدیدارائه‌های حسابداری و در نتیجه افزایش کیفیت گزارشگری مالی شوند. در ادامه به بسط فرضیاتی پرداخته که مبین رابطه بین مکانیزم‌های مختلف حاکمیت شرکتی و احتمال وقوع تجدیدارائه‌ها می‌باشند.

۲.۲. بسط فرضیات تحقیق

هدف این بخش بسط فرضیات تحقیق بر اساس مبانی نظری، تحقیقات قبلی و شرایط خاص ایران می‌باشد. برای انجام این امر، مکانیزم‌های داخلی و خارجی حاکمیت شرکتی در نظر گرفته می‌شود. مکانیزم‌های داخلی دربرگیرنده ساختار هیات مدیره (شامل متغیرهای تمرکز قدرت و تغییر مدیرعامل) و ساختار سرمایه (نسبت بدهی) شرکت و مکانیزم‌های خارجی دربرگیرنده ساختار مالکیت (سهامداران عمده و بزرگترین سهامدار) و ساختار حسابرسی (شامل تخصص در صنعت، نوع و تغییر حسابرس) می‌باشد. در ادامه، به بسط فرضیات مربوطه پرداخته می‌شود.

۲.۲.۱. تمرکز قدرت

رهبری^۱ هیات مدیره مرتبط با تقسیم قدرت میان رئیس هیات مدیره و مدیرعامل (از این پس CEO) است. ترکیب این دو وظیفه سیستم‌های حاکمیت شرکتی را تضعیف می‌کند (صالح^۲ و م.ه.م. ۲۰۰۵). برخی از تحقیقات نشان دادند که ساختار رهبری متمرکز نسبت به ساختار رهبری مجزا، باعث بهبود عملکرد و بازده بیشتر برای سهامداران می‌شود (برای مثال، دونالدسون و داویس^۳، ۱۹۹۱).

تحقیقاتی نیز وجود دارد که نشان می‌دهد جدایی تصدی مدیرعامل از رئیس هیات مدیره با احتمال کمتر مدیریت سود (العباس^۴، ۲۰۰۹)، تقلب (دکو^۵ و م.ه.م. ۱۹۹۶) و تجدیدارائه (کارسلو^۶ و م.ه.م. ۲۰۰۹) در ارتباط است. البته نتایج برخی تحقیقات نشان می‌دهد که جدایی این عناوین، تاثیری بر کیفیت گزارشگری مالی ندارد (آقایی و چالاکی، ۱۳۸۸؛ حساس یگانه و یزدانین، ۱۳۸۷). شواهد مستقیمی نیز وجود دارد که نشان

1 - Leadership
2 - Saleh
3 - Donaldson & Davis
4 - Al-Abbas
5 - Dechow
6 - Carcello

می دهد و وقوع تجدیدارائه های حسابداری ارتباطی با ساختار رهبری مجزا ندارد (عبداله و م.ه، ۲۰۱۰؛ بابر و م.ه، ۲۰۰۶).

طبق ماده ۱۲۴ قانون تجارت ایران (۱۳۱۱)، "... مدیرعامل شرکت نمی تواند در عین حال رئیس هیئت مدیره همان شرکت باشد مگر با تصویب سه چهارم آراء حاضر در مجمع عمومی". این امر نشان می دهد که اگر مدیر عامل وظیفه (جایگاه) دوم را نیز بدست آورد، می تواند از قدرت زیادی برای تحت تاثیر قرار دادن امورات شرکت از جمله گزارشگری مالی برخوردار شود. با توجه به نتایج و استدلال های فوق، می توان انتظار داشت که قدرت بیشتر مدیرعامل در هیات مدیره به واسطه داشتن بیش از یک جایگاه، ارتباط مثبت با تجدیدارائه سود داشته باشد. بنابراین، فرضیه نخست به شرح زیر ارائه می شود:

H_1 : تمرکز قدرت هیات مدیره احتمال وقوع تجدیدارائه سود حسابداری را افزایش می دهد.

۲.۲.۲. تغییر مدیر عامل (CEO)

مدیران اجرایی خارج شونده، ممکن است سود را مدیریت کرده و مدیران جدید ترجیح می دهند که کارشان را با وجهه خوب^۱ شروع کنند (بینید: هنینگر و م.ه، ۲۰۰۹). اکسیا^۲ (۲۰۰۶) نشان داد که یکی از دلایل تجدیدارائه توسط شرکت ها، تغییر مدیرعامل می باشد. همچنین تحقیقاتی وجود دارد که از عواقب مهم تجدیدارائه ها برای مدیران ارشد حکایت دارند. این تحقیقات، شواهدی قوی از تغییر بیشتر CEOها در شرکت های تجدیدارائه ای نسبت به سایر شرکت ها ارائه می کنند (اگراوال و کوپر، ۲۰۰۸؛ اکسیا، ۲۰۰۶). بنابراین، مدیرعامل برای مصون ماندن از این خطرات؛ ممکن است مدیریت سود افزایشی انجام داده که در صورت تغییر، تجدیدارائه سود توسط مدیرعامل جدید صورت می پذیرد. با توجه به نتایج و استدلال های فوق، می توان انتظار داشت که تغییر مدیرعامل ارتباط مثبت با وقوع تجدیدارائه سود داشته باشد. بنابراین، فرضیه مربوطه به شکل ذیل ارائه می شود:

H_2 : تغییر مدیر عامل احتمال وقوع تجدیدارائه سود حسابداری را افزایش می دهد.

۲.۲.۳. ساختار مالکیت و تجدیدارائه های حسابداری

1 - Clean Slate

2 - Xia

استدلال می شود که سهامداران عمده بطور رسمی توانایی تحت تاثیر قرار دادن شرکت ها از طریق انتخاب مدیران، حق رأی در تغییرات ساختار شرکتی و سایر روش ها را دارند. همچنین آنها معمولاً در هیات مدیره شرکت حضور دارند و بنابراین در تعیین سمت و سوی جلسات هیات مدیره موثر هستند (عبداله و م.ه، ۲۰۱۰). بنابراین، درصد بیشتر سهام نگهداری شده بوسیله سهامداران عده برابر با این است که آنها روی مدیریت نفوذ بیشتری دارند. بدین ترتیب، سهامدار مسلط^۱ یا عمده ممکن است انگیزه ای برای کشف یا بر عکس تشویق ثقل داشته باشد (چن^۲ و م.ه، ۲۰۰۶). نتایج تحقیقات زیادی از این عقیده حمایت می کنند که سهامداران بزرگ ناظر مهمی برای اقدامات مدیریت محسوب می - شوند (دکو و م.ه، ۱۹۹۶؛ اگر او و چدها، ۲۰۰۵؛ بابر و م.ه، ۲۰۰۶). سهامداران بزرگ از تخصص بیشتری برای شناسایی قانون شکنی های حسابداری (عبداله و م.ه، ۲۰۱۰) و انگیزه بیشتری برای نظارت بر اقدامات مدیران نسبت به سهامداران کوچک برخوردار بوده، زیرا نظارت برای آنها نسبت به سهامداران خرد، صرفه اقتصادی دارد (ژونگ^۳ و م.ه، ۲۰۰۷). از سوی دیگر، تحقیقات متعددی نیز نشان دادند که با افزایش مالکیت مدیریتی (سنگر سهام مدیر)، سهامداران خارجی (برون سازمانی) متحمل ضرر بیشتری می شوند (پرگولا و م.ه، ۲۰۰۶). در این ارتباط، شواهد نشان می دهد که شرکت های با تمرکز مالکیت بالا، محتوای اطلاعاتی سود کمتر (فیرس^۴ و م.ه، ۲۰۰۷) و مدیریت سود بیشتر (ژونگ و م.ه، ۲۰۰۷؛ گاتری و سوکولواسکی^۵، ۲۰۱۰) دارند. با توجه به استدلال ها و نتایج فوق، مطابق فن و ونگ^۶ (۲۰۰۲)، فرض بر این است که در شرکت های با تمرکز مالکیت بالا، میزان تضاد منافع سهامداران اصلی و اقلیت زیاد است و از آنجا که سهامداران اصلی توان تحت تاثیر قرار دادن اعداد حسابداری را دارند؛ بر اساس فرضیه فرصت طلبی (سنگر سهام)، می توان انتظار داشت که:

H₃: تمرکز مالکیت احتمال وقوع تجدیدارائه سود حسابداری را افزایش می دهد.

۲.۲.۴. اندازه حسابرس

نتایج تحقیقات گذشته نشان می دهد که موسسات حسابرسی معروف و بزرگ، ناظران قویتری نسبت به موسسات حسابرسی کوچک می باشند و شرکت های با حسابرسان بزرگ،

1 - Dominant
2 - Chen
3 - Zhong
4 - Firth
5 - Guthrie & Sokolowsky
6 - Fan and Wong

کمتر احتمال دارد که به دستکاری سود پردازند (برای مثال: العباس، ۲۰۰۹). بلومفیلد و شکمن^۱ (۲۰۰۸) و هنینگر و ه. م. (۲۰۰۹) یک رابطه مثبت میان تجدید ارائه ها و حسابداری توسط موسسات BigN یافتند. این شواهد، اعتقادی را که کیفیت حسابداری بطور مثبت با اندازه موسسه حسابداری مرتبط می باشد را زیر سؤال می برد. همچنین اگر اوال و چده (۲۰۰۵) رابطه ای بین حسابداری توسط BigN با احتمال تجدید ارائه نیافتند. در این مطالعه، همانند تحقیقات قبلی (ابراهیمی کردلر و سیدی، ۱۳۸۷) نوع موسسه حسابداری به دو طبقه "سازمان حسابداری" و سایر موسسات تقسیم می شود. انتظار می رود سازمان حسابداری به عنوان بزرگترین موسسه حسابداری در ایران از کیفیت بالاتری برخوردار باشد و حسابداری توسط این موسسه، منجر به تجدید ارائه کمتر می شود. بنابراین، فرضیه مربوطه به شکل زیر ارائه می شود:

H4: حسابداری توسط سازمان حسابداری احتمال وقوع تجدید ارائه سود حسابداری را کاهش می دهد.

۲.۲.۵. تخصص صنعت حسابداری

طبق مطالعات قبلی شرکت هایی که توسط حسابرس متخصص صنعت حسابداری می شوند؛ احتمال مدیریت سود کمتر داشته و از کیفیت افشاء بالاتری برخوردار می باشند (بالسام^۲ و ه. م. ۲۰۰۳؛ اعتمادی و ه. م. ۱۳۸۸). در واقع، حسابرسان توانایی بیشتری برای کشف اشتباهات در صنعت مورد تخصص شان دارند (گول^۳ و ه. م. ۲۰۰۹). در ارتباط با تجدید ارائه ها نیز، نتایج تحقیقات قبلی حکایت از تاثیر مثبت تخصص صنعت حسابداری بر کاهش تجدید ارائه ها دارند (بلومفیلد و شکمن، ۲۰۰۸؛ بابر و ه. م. ۲۰۱۰). بنابراین می توان فرضیه زیر را بیان نمود:

H5: وجود حسابرس با تخصص صنعت احتمال وقوع تجدید ارائه سود حسابداری را کاهش می دهد.

۲.۲.۶. تغییر حسابرس

1 - Bloomfield & Shackman

2 - Balsam

3 - Gul

بایر و ه. م. (۲۰۱۰) دریافتند، وقتی شهرداری‌ها موسسه حسابرسی شان را تغییر می دهند، احتمال تجدیدارائه‌ها افزایش می یابد. در مقابل، مایرز^۱ و ه. م. (۲۰۰۳) دریافتند که تغییر حسابرسان بطور با اهمیتی احتمال وقوع تجدیدارائه را تحت تاثیر قرار نمی دهد. نتایج تحقیق بولو و ه. م. (۱۳۸۹) نیز نشان داد که تغییر حسابرس مستقل تاثیری بر شفافیت اطلاعاتی شرکت‌ها ندارد. باقرپور و ه. م. (۲۰۰۹) دریافتند که احتمال تغییر حسابرس زمانی افزایش می یابد که آنها بر خلاف میل مدیریت بر استفاده از روش های محافظه کارانه حسابداری که منجر به اقلام تعهدی منفی (کاهش سود) می شود، تاکید نمایند. با توجه به این مطالب، می توان انتظار داشت که تغییر حسابرس موجب افزایش احتمال تجدیدارائه شود. بنابراین فرضیه مربوطه به صورت زیر ارائه می گردد:

H₆: تغییر حسابرس مستقل احتمال وقوع تجدیدارائه سود حسابداری را افزایش می دهد.

۷.۲.۲. ساختار سرمایه و تجدیدارائه‌های حسابداری

در ارتباط با تاثیر سطح پوشش ب دهی در ساختار سرمایه، ادبیات تحقیق دو تئوری متفاوت را نشان می دهند. طبق دیدگاه نخست (فرضیه نظارت)، بدهی به عنوان یک مکانیزم حاکمیتی تلقی می شود که نقش نظارتی ایفا می کند (لارکر^۲ و ه. م. ۲۰۰۷). به اعتقاد لارکر و ه. م. (۲۰۰۷) و نظارت اضافی از طریق ارائه کنندگان سرمایه خارجی تامین می شود. این چنین نظارتی می تواند سطح عدم تقارن اطلاعاتی میان مدیریت و سرمایه گذاران را کاهش دهد. از سوی دیگر، مطالعات زیادی نشان می دهند که اهرم معیار ریسک مالی است و سطح بدهی نشان دهنده ریسک است (چن و ه. م. ۲۰۰۶؛ عبدالله و ه. م. ۲۰۱۰). بنابراین، طبق این دیدگاه (فرضیه ریسک)، در صورت وجود سطح بدهی بالا، احتمال بیشتری وجود دارد که شرکت اقدام به ارائه نادرست صورت های مالی (اکسیا، ۲۰۰۶؛ عبدالله و ه. م. ۲۰۱۰)، مدیریت سود (ثقفی و بهارمقدم، ۱۳۸۷) و قانون شکنی حسابداری (چن و ه. م. ۲۰۰۶) نماید. بنابراین، سطح بدهی می تواند نقش بسزایی در وقوع تجدیدارائه‌های حسابداری داشته باشد. با توجه به استدلال‌ها و نتایج فوق و در حمایت از فرضیه ریسک، فرضیه نهایی به شکل زیر ارائه می شود:

1 - Myers
2 - Larcker

H7: افزایش سطح بدهی ها احتمال وقوع تجدید ارائه سود حسابداری را افزایش می دهد.

مبانی و روش انجام تحقیق

۱.۳. مدل تحقیق

در این مطالعه بر اساس ادبیات موجود، دامنه ای از خصوصیات مختلف حاکمیتی شامل قدرت مدیرعامل، تغییر مدیرعامل، استقلال هیات مدیره، پاداش هیات مدیره، تخصص مالی هیات مدیره، سهامداران عمده، بزرگترین سهامدار، نوع حسابرس، تخصص صنعت حسابرس، تغییر حسابرس و در نهایت نسبت پوشش بدهی را در بر می گیرد. برای کنترل اثرات احتمالی سایر عواملی که می توانند (به صورت بالقوه) تصمیمات شرکت را برای تجدید ارائه تحت تاثیر قرار دهند، برخی متغیرهای کنترلی نیز به مدل افزوده گردید. مدل اصلی تحقیق به شرح زیر می باشد:

$$\text{Restate} = \alpha + \beta_1 \text{Power} + \beta_2 \Delta \text{CEO} + \beta_3 \text{Block} + \beta_4 \text{Big} + \beta_5 \text{AuditType} + \beta_6 \text{Expertise} + \beta_7 \Delta \text{Audit} + \beta_8 \text{Gear} + \beta_9 \text{ROA} + \beta_{10} \text{Growth} + \beta_{11} \text{CFO} + \beta_{12} \text{WC} + \beta_{13} \text{Loss} + \beta_{14} \text{StockFing} + \beta_{15} \text{DebtFing} + \beta_{16} \text{Size} + \beta_j \sum_{j=17}^{30} \text{Industries} + \beta_k \sum_{k=31}^{36} \text{Years} + \varepsilon.$$

که:

Restate = به عنوان متغیر وابسته، با استفاده از یک متغیر مجازی برابر با ۱ وقتی شرکتی سود دوره قبل خود را تجدید ارائه نموده در غیر این صورت صفر می باشد،
 Power = به عنوان یک متغیر مجازی، اگر مدیرعامل شرکت در سال قبل همچنین رئیس یا نایب رئیس هیات مدیره باشد برابر ۱ در غیر این صورت صفر می باشد، ΔCEO = به عنوان یک متغیر مجازی، اگر مدیرعامل شرکت در سال جاری نسبت به سال گذشته تغییر کرده برابر با ۱ در غیر این صورت صفر می باشد، Block = برابر با مجموع درصد مالکیت متعلق به سهامداران دارای مالکیت بیش از ۵ درصد سهام شرکت در سال قبل می باشد، Big = برابر با درصد مالکیت بزرگترین سهامدار شرکت در سال قبل می باشد،
 AuditType = به عنوان یک متغیر مجازی، برابر با ۱ اگر حسابرس شرکت در سال گذشته "سازمان حسابرسی" و در غیر این صورت صفر می باشد، Expertise = به عنوان یک متغیر مجازی، برابر با ۱ اگر حسابرس شرکت در سال گذشته "متخصص صنعت" و در غیر این صورت صفر می باشد، ΔAudit = به عنوان یک متغیر مجازی، برابر با ۱ اگر

حسابرس شرکت در سال جاری نسبت به سال گذشته تغییر کرده و در غیر این صورت صفر می باشد، $\text{Gear} =$ معرف نسبت جمع بدهی ها به سرمایه شرکت در سال قبل می باشد. $\text{Size} =$ نشان دهنده اندازه شرکت و برابر با لگاریتم طبیعی میزان درآمد فروش شرکت در سال قبل می باشد، $\text{Growth} =$ نشان دهنده رشد فروش شرکت بوده که برابر با تفاوت درآمد فروش سال جاری نسبت به سال گذشته شرکت تقسیم بر فروش سال گذشته می باشد، $\text{ROA} =$ بازده دارایی های شرکت می باشد که از تقسیم سود خالص به جمع دارایی های پایان سال قبل شرکت بدست می آید، $\text{Loss} =$ نشان دهنده عملکرد سال گذشته شرکت می باشد که اگر در سال گذشته زیان خالص داشته باشد برابر ۱ در غیر این صورت صفر می باشد، $\text{CFO} =$ معیاری از نقدینگی شرکت می باشد که از تقسیم جریان خالص وجوه نقد عملیاتی بر جمع دارایی های شرکت در سال قبل بدست می آید، $\text{WC} =$ معیاری از نقدینگی شرکت می باشد که از تقسیم دارایی های جاری بر بدهی های جاری در سال قبل بدست می آید، $\text{StockFing} =$ به عنوان یک متغیر مجازی، نشان دهنده تامین مالی از طریق سهام می باشد؛ که اگر شرکتی در سال تجدیدارائه حداقل ۲۰ درصد میزان سرمایه سال قبل از طریق سهام تامین مالی کرده باشد ۱ و کمتر از آن صفر تعریف می شود، $\text{DebtFing} =$ به عنوان یک متغیر مجازی، نشان دهنده تامین مالی از طریق بدهی می باشد؛ که اگر شرکتی در سال تجدیدارائه حداقل ۲۰ درصد میزان بدهی های بلندمدت سال قبل از طریق بدهی تامین مالی کرده باشد ۱ و کمتر از آن صفر تعریف می شود، $\text{Industries} =$ نشان دهنده متغیرهای مجازی در نظر گرفته شده برای کنترل تاثیر صنایع می باشند. برای صنعت مورد نظر ۱ و برای سایرین صفر تعریف می شود، $\text{Years} =$ نشان دهنده متغیرهای مجازی برای کنترل تاثیر سال می باشند. برای سال مورد نظر ۱ و برای سایرین صفر تعریف می شود، $\text{E} =$ میزان خطای مدل.

۳.۲. اندازه گیری متغیرهای کنترلی

علاوه بر متغیرهای مورد نظر، مطابق تحقیقات گذشته (اگراوال و چدها، ۲۰۰۵؛ کارسلو و م.ه، ۲۰۰۹)، تاثیر سایر عواملی که می توانند با وقوع تجدیدارائه ها مرتبط باشند نیز کنترل می شود. نخست، نسبت بازده دارایی ها (ROA) که به عنوان معیار سودآوری از تقسیم سود خالص بر جمع دارایی ها اندازه گیری می شود. سپس، مطابق تحقیقات قبلی (اگراوال و

چدها، ۲۰۰۵) برای اندازه گیری رشد شرکت از معیار درصد تغییر در فروش سال جاری نسبت به سال قبل (Growth) استفاده می شود. مطابق بلومفیلد و شکمن (۲۰۰۸) نسبت جریان نقدی عملیاتی به جمع دارایی ها (CFO) به عنوان معیاری از عملکرد نقدینگی به مدل اضافه می شود. مطابق احمد و گودوین (۲۰۰۷) سرمایه در گردش (WC) به عنوان معیار نقدینگی بکار می رود که نسبت دارایی های جاری به بدهی های جاری در آخر سال می باشد.

معیار بعدی، StockFing درصد افزایش سرمایه (سهام عادی) شرکت می باشد که به عنوان متغیر مجازی، اگر بیش از ۲۰ درصد میزان سرمایه سال گذشته باشد ۱ در غیر این صورت صفر تعریف می شود. همچنین DebtFing، درصد افزایش بدهی های بلند مدت شرکت می باشد که به عنوان متغیر مجازی اگر بیش از ۲۰ درصد میزان بدهی بلند مدت سال گذشته باشد ۱ در غیر این صورت صفر خواهد بود. مطابق چن و م.ه (۲۰۰۶) متغیر عملکرد سال گذشته (Loss) تعریف می شود که اگر در سال قبل از تجدید ارائه شرکت زیان داشته باشد، برابر ۱ در غیر این صورت صفر می شود.

در این مطالعه، از معیار (لگاریتم طبیعی) فروش شرکت (مطابق: بلومفیلد و شکمن، ۲۰۰۸) برای اندازه گیری این متغیر استفاده شده است؛ زیرا با توجه به نرخ تورم در ایران، به نظر می رسد مجموع فروش سالانه شرکت شاخص مناسب تری نسبت به مجموع کل دارایی ها برای اندازه شرکت باشد (پورحیدری و همتی، ۱۳۸۳). در نهایت، عوامل مرتبط با صنعت (مطابق: بلومفیلد و شکمن، ۲۰۰۸) و سال (مطابق: اقبال و استروننگ، ۲۰۱۰) کنترل می شوند. لیو^۱ (۲۰۰۶) استدلال می کند با توجه به روند رو به رشد تجدید ارائه ها، انتظار می رود با گذشت زمان احتمال تجدید ارائه شرکت ها افزایش یابد. برای اندازه گیری این دو متغیر، برای هر صنعت و سال یک متغیر مجازی تعریف و عدد ۱ به صنایع و سالهای مربوطه اختصاص می یابد.

۳.۳. نمونه گیری و روش گردآوری داده های تحقیق

برای بررسی رابطه بین خصوصیات حاکمیتی با تجدید ارائه های حسابداری، از اطلاعات منتشر شده شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران (TSE) برای یک دوره ۶ ساله از سال ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۸ استفاده گردید. برای منظور نمودن هر عضو از

جامعه مورد بررسی در نمونه تحقیق، ابتدا (مطابق تحقیقات پیشین) شرکت‌ها و نهادهای مالی (مانند بانک‌ها، بیمه‌ها و لیزنگ‌ها) که دارای قواعد و قوانین صنعت خاص خودشان می‌باشند (عبداله و ه.م.، ۲۰۱۰) و ممکن است انگیزه متفاوتی برای تجدیدارائه نسبت به سایر شرکت‌ها داشته باشند، از نمونه این تحقیق خارج شدند. سپس، مطابق اگروال و کوپر (۲۰۰۸)، شرکت‌هایی که قبل از اعلام تجدیدارائه در طول دوره نمونه، برای حداقل یک سال از فهرست بورس خارج شده، از نمونه نهائی حذف گردیدند. زیرا ممکن است در سال ورود مجدد، انگیزه اضافی برای دستکاری نتایج مالی داشته باشند.

در بررسی روابط احتمالی موجود بین متغیرها، متغیرهای Δ CFO، Δ Audit، DebtFing و StockFing در سال تجدیدارائه (سال t) و سایر متغیرها با استفاده از ارزش‌های سال قبل از تجدیدارائه (سال t-1) اندازه‌گیری شدند. پس از اعمال ملاک‌های ذکر شده در بخش قبل برای تعیین نمونه، ۱۰۵۴ مشاهده شرکت - سال بدست آمد. در نهایت، برای حذف انحراف ناشی از مقادیر خاص، اقدام به حذف مشاهدات با بیش از ۳ انحراف معیار از میانگین برای تمام متغیرها گردید. بدین ترتیب نمونه نهایی این تحقیق پس از حذف ۵۵ مشاهده پرت به تعداد ۹۹۹ مشاهده سال - شرکت کاهش یافت که این مشاهدات مبنای تجزیه و تحلیل فرضیات تحقیق قرار گرفتند.

تجزیه و تحلیل نتایج

در این بخش ابتدا برخی از آمار توصیفی مشاهدات تحقیق و همچنین آزمون همبستگی متغیرها ارائه، سپس به تجزیه و تحلیل نتایج به دست آمده پرداخته شده است.

۴.۱ آمار توصیفی

جدول ۱ توزیع تجدیدارائه‌های مشمول در نمونه تحقیق را میان سال‌های مختلف نشان می‌دهد. مطابق این جدول اکثر مشاهدات تحقیق (۶۰ درصد) تجدیدارائه سود نموده‌اند. این اطلاعات نشان می‌دهد که مطابق تحقیقات انجام شده در غرب (برای مثال: اندرسون و یون، ۲۰۰۳؛ پلوملی و یون، ۲۰۱۰) بطور کل تعداد تجدیدارائه‌ها طی دوره تحقیق افزایش یافته؛ بطوری که تعداد تجدیدارائه‌ها طی این دوره بیش از ۱۷ درصد^۱ افزایش را تجربه می‌کنند. بررسی بیشتر نشان می‌دهد که تنها ۷ درصد شرکت‌ها در طی دوره تحقیق (۱۳۸۸-۱۳۸۳) تجدیدارائه سود نداشته و ۹۳ درصد باقیمانده (۱۷۶ شرکت) حداقل یک سال از ۶

سال طی دوره تحقیق اقدام به تجدید ارائه سود نموده اند (در جدول نیامده است). اطلاعات ارائه شده در این مطالعه نشان می دهد که تجدید ارائه سود حسابداری میان شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران از حجم گسترده ای برخوردار است.

جدول ۱ توزیع تجدید ارائه ها طی دوره تحقیق

سال	تعداد مشاهدات	تعداد تجدید ارائه	نسبت وقوع تجدید ارائه	نسبت وقوع تجدید ارائه به کل مشاهدات	نسبت به کل تجدید ارائه ها
سال ۸۳	۱۵۰	۹۱	۶۱	۹/۱	۱۵/۲
سال ۸۴	۱۶۹	۹۸	۵۸	۹/۸	۱۶/۳
سال ۸۵	۱۷۱	۱۰۶	۶۲	۱۰/۶	۱۷/۷
سال ۸۶	۱۶۸	۱۰۵	۶۲	۱۰/۵	۱۷/۵
سال ۸۷	۱۷۳	۹۳	۵۴	۹/۳	۱۵/۵
سال ۸۸	۱۶۸	۱۰۷	۶۴	۱۰/۷	۱۷/۸
	۹۹۹	۶۰۰	۶۰٪	۶۰٪	۱۰۰٪

اطلاعات منعکس شده در جدول ۲، نشان می دهد که ۲۵/۷ درصد از مشاهدات دارای تغییر مدیر عامل بوده که از این میان ۱۸ درصد تجدید ارائه سود نموده و تنها ۷/۶ درصد بدون تجدید ارائه بوده اند. با کسب این اطلاعات می توان بطور ضمنی از تایید فرضیه تحقیق، مبنی بر رابطه مثبت بین تغییر مدیر عامل و احتمال تجدید ارائه سود، اطمینان یافت.

ج ۲

میانگین - بر حسب درصد			نام متغیر
عدم تجدید ارائه	تجدید ارائه	کل	
۵/۸	۶/۵	۱۲/۳	تمرکز قدرت
۷/۶	۱۸/۱	۲۵/۷	تغییر مدیرعامل
۲۲	۳۶/۸	۵۸/۹	مالکیت عمده بالا
۲۲/۵	۲۹/۹	۵۲/۵	مالکیت بالای بزرگترین سهامدار
۸/۷	۱۷/۹	۲۶/۶	نوع حسابرس (سازمان حسابرسی)
۱۱/۶	۱۹/۶	۳۱/۲	تخصص صنعت حسابرس
۵/۴	۱۱/۹	۱۷/۳	تغییر حسابرس
۱۳/۸	۲۰/۵	۳۴/۳	نسبت بالای بدهی

جدول ۳. آمار توصیفی متغیرهای کنترل کننده

جدول ۳ نیز اطلاعات توصیفی مرتبط بمتغیرهای کنترلی مدل را برای کل مشاهدات نشان می دهد.

۲.۴ تجزیه و تحلیل نتایج

نتایج حاصل از برآورد مدل اصلی تحقیق با استفاده از رگرسیون لجستیک در سطح معناداری ۱۰ درصد، در جدول ۴ ارائه شده است. نتایج تحقیق نشان می دهد که تغییر مدیرعامل، بزرگترین سهامدار، نوع حسابرس، تغییر حسابرس، تخصص صنعت حسابرس، نسبت جریان وجوه نقد عملیاتی، نسبت نقدینگی و اندازه شرکت همچنین برخی صنایع و سال ۸۷ رابطه معنادار با تجدید ارائه سود حسابداری شرکت های عضو بورس اوراق بهادار تهران دارند؛ در حالی که برای متغیرهای تمرکز قدرت، سهامدار ان عمده، نسبت پوشش، بازده دارایی ها، رشد شرکت، عملکرد سال قبل و همچنین تامین مالی اضافی از طریق سرمایه و بدهی رابطه معنی داری مشاهده نشد؛ که در ادامه به تشریح این نتایج پرداخته می شود. آزمون توان آماری مدل معناداری مدل را تایید می کند ($P=0.000$) که حاکی از مناسب بودن برازش مدل تحقیق می باشد. قدرت پیش بینی کننده مدل ۶۴.۷ درصد می باشد.

نتایج حاصل برای Power رابطه معناداری را نشان نمی دهد ($p=0.154$)؛ که در راستای تحقیقات انجام شده (آقایی و چالاکی، ۱۳۸۸؛ حساس یگانه و یزدانیان، ۱۳۸۷؛

اگروال و چدها، ۲۰۰۵؛ بابر و ه. م. ۲۰۰۶؛ عبدالله و ه. م. ۲۰۱۰) می باشد. یک دلیل ممکن برای این یافته، سختی ایجاد رهبری متمرکز در بازار سرمایه ایران می باشد (طبق ماده ۱۲۴ قانون تجارت ایران، ۱۳۱۱). طبق اطلاعات ارائه شده در جدول ۲، رهبری متمرکز تنها ۱۲ درصد از کل مشاهدات را به خود اختصاص داده که در مقابل ۸۸ درصد رهبری مجزا از فراوانی زیادی برخوردار نمی باشد. مطابق اکسیا (۲۰۰۶) نتایج نشان می دهد که تغییر مدیرعامل (ΔCEO) بطور با اهمیت و مثبت با تجدیدارائه سود حسابداری وابسته می باشد ($p=0.000$). این نتیجه مطابق هنینگر و ه. م. (۲۰۰۹) می باشد.

مالکیت سهامداران عمده (Block) از لحاظ آماری معنادار نبود ($p=0.121$). این یافته در انطباق با نتایج آقایی و چالاکی (۱۳۸۸)؛ در ارتباط با مدیریت سود و مشابه نتایج اگروال و چدها (۲۰۰۵)؛ همچنین لارکر و ه. م. (۲۰۰۷) در ارتباط با تجدیدارائه های حسابداری می باشد. در ارتباط با ساختار مالکیت همچنین نتایج نشان می دهد که بزرگترین سهامدار (Big) رابطه منفی با تجدیدارائه های حسابداری دارد ($p=0.029$)؛ که بر خلاف فرضیه تحقیق می باشد. این یافته مشابه نتایج تحقیقات گذشته (از جمله بابر و ه. م. ۲۰۰۶؛ هنینگر و ه. م. ۲۰۰۹) می باشد.

در ارتباط با خصوصیات حسابرسی، این مطالعه نشان می دهد که نوع حسابرس رابطه مثبت با تجدیدارائه های حسابداری دارد ($p=0.005$). این نتیجه بر خلاف فرضیه تحقیق می باشد. این یافته مطابق برخی تحقیقات قبلی (مانند: بلومفیلد و شکمن، ۲۰۰۸؛ هنینگر و ه. م. ۲۰۰۹) می باشد. مطابق این تحقیقات، نتایج این تحقیق نیز این اعتقاد را که کیفیت حسابرسی بطور مثبت با اندازه موسسه حسابرسی مرتبط است، زیر سؤال می برد. یکی از دلایل عدم انطباق نتایج با پیش بینی می تواند دولتی بودن و نظارت محدود بر این نهاد باشد. تحقیقات قبلی رابطه مثبتی میان تخصص صنعت حسابرس (Expertise) و کیفیت گزارشگری مالی اعلام نموده اند (اعتمادی و ه. م. ۱۳۸۸؛ بابر و ه. م. ۲۰۱۰) که نتایج این تحقیق این موضوع را تایید می کند ($p=0.05$). در ارتباط با تغییر حسابرس ($\Delta Audit$) نتایج این تحقیق مشابه بابر و ه. م. (۲۰۱۰) نشان می دهد که تغییر حسابرس یک رابطه مثبت با تجدیدارائه های حسابداری دارد ($p=0.003$). نسبت پوشش بدهی (Gear) در این تحقیق معنادار نیست ($p=0.159$). این نتیجه بر خلاف شواهد ثقفی و بهارمقدم (۱۳۸۷) می باشد.

جدول ۴. نتایج آماری حاصل از
برآورد مدل اصلی تحقیق

متغیرها	β	P-Value
Power	-۰/۲۲۲	۰/۱۵۴
Δ CEO	۰/۵۶۶	۰/۰۰۰
Block	۰/۵۲۶	۰/۱۲۱
Big	-۰/۸۱۶	۰/۰۲۹
AuditType	۰/۵۴۶	۰/۰۰۵
Expertise	-۰/۳۳۲	۰/۰۵
Δ Audit	۰/۵۲۹	۰/۰۰۳
Gear	-۰/۰۲۱	۰/۱۵۹
ROA	-۰/۷۰۲	۰/۲۱۵
Growth	-۰/۱۵۴	۰/۲۳۸
CFO	۰/۷۱۱	۰/۰۸۱
WC	-۰/۴۰۲	۰/۰۲۲
Loss	-۰/۲۵۱	۰/۲۱۴
StockFin	۰/۱۵۶	۰/۱۷۹
DebtFin	-۰/۰۷۱	۰/۳۱۶
Size	۰/۱۷۱	۰/۰۱۳
Constant	-۲/۲۸۴	۰/۰۴
ANOVA		۰/۰۰۰
Nagelkerke R Square	۰/۱۳۴	
N	۹۹۹	

=Restate به عنوان متغیر وابسته، با استفاده از یک متغیر مجازی برابر با ۱ وقتی شرکتی سود دوره قبل خود را تجدید ارائه نموده در غیر این صورت صفر می باشد، **=Power** به عنوان یک متغیر مجازی، اگر مدیرعامل شرکت در سال قبل همچنین رئیس یا نایب رئیس هیات مدیره باشد برابر ۱ در غیر این صورت صفر می باشد، **= Δ CEO** به عنوان یک متغیر مجازی، اگر مدیرعامل شرکت در سال جاری نسبت به سال گذشته تغییر کرده برابر با ۱ در غیر این صورت صفر می باشد، **=Block** برابر با مجموع درصد مالکیت متعلق به سهامداران دارای مالکیت بیش از ۵ درصد سهام شرکت در سال قبل می باشد، **=Big** برابر با درصد مالکیت بزرگترین سهامدار شرکت در سال قبل می باشد، **=AuditType** به عنوان یک متغیر مجازی، برابر با ۱ اگر حسابرس شرکت در سال گذشته "سازمان حسابرسی" و در غیر این صورت صفر می باشد، **=Expertise** به عنوان یک متغیر مجازی، برابر با ۱ اگر حسابرس شرکت در سال گذشته "متخصص صنعت" و در غیر این صورت صفر می باشد، **= Δ Audit** به عنوان یک متغیر مجازی،

برابر با ۱ اگر حسابرس شرکت در سال جاری نسبت به سال گذشته تغییر کرده و در غیر این صورت صفر می‌باشد، $Gear =$ معرف نسبت جمع بدهی‌ها به سرمایه شرکت در سال قبل می‌باشد. $Size =$ نشان دهنده اندازه شرکت و برابر با لگاریتم طبیعی میزان درآمد فروش شرکت در سال قبل می‌باشد، $Growth =$ نشان‌دهنده رشد فروش شرکت بوده که برابر با تفاوت درآمد فروش سال جاری نسبت به سال گذشته شرکت تقسیم بر فروش سال گذشته می‌باشد، $ROA =$ بازده دارایی‌های شرکت می‌باشد که از تقسیم سود خالص به جمع دارایی‌های پایان سال قبل شرکت بدست می‌آید، $Loss =$ نشان‌دهنده عملکرد سال گذشته شرکت می‌باشد که اگر در سال گذشته زیان خالص داشته باشد برابر ۱ در غیر این صورت صفر می‌باشد، $CFO =$ معیاری از نقدینگی شرکت می‌باشد که از تقسیم جریان خالص وجوه نقد عملیاتی بر جمع دارایی‌های شرکت در سال قبل بدست می‌آید، $WC =$ معیاری از نقدینگی شرکت می‌باشد که از تقسیم دارایی‌های جاری بر بدهی‌های جاری در سال قبل بدست می‌آید، $StockFing =$ به عنوان یک متغیر مجازی، نشان‌دهنده تامین مالی از طریق سهام می‌باشد؛ که اگر شرکتی در سال تجدیدارائه حداقل ۲۰ درصد میزان سرمایه سال قبل از طریق سهام تامین مالی کرده باشد ۱ و کمتر از آن صفر تعریف می‌شود، $DebtFing =$ به عنوان یک متغیر مجازی، نشان‌دهنده تامین مالی از طریق بدهی می‌باشد؛ که اگر شرکتی در سال تج دیدارائه حداقل ۲۰ درصد میزان بدهی‌های بلندمدت سال قبل از طریق بدهی تامین مالی کرده باشد ۱ و کمتر از آن صفر تعریف می‌شود، $Industries =$ نشان‌دهنده متغیرهای مجازی در نظر گرفته شده برای کنترل تاثیر صنایع می‌باشند. برای صنعت مورد نظر ۱ و برای سایرین صفر تعریف می‌شود، $Years =$ نشان‌دهنده متغیرهای مجازی برای کنترل تاثیر سال می‌باشند. برای سال مورد نظر ۱ و برای سایرین صفر تعریف می‌شود، $\varepsilon =$ میزان خطای مدل.

در ارتباط با متغیرهای کنترل، نتایج نشان می دهد که نسبت جریان وجوه نقد عملیاتی (CFO) یک رابطه مثبت و معناداری با تجدیدارائه ها دارد ($p=0.081$). این نتیجه برخلاف پیش بینی و شواهد بلومفیلد و شکمن (۲۰۰۸) می باشد. نسبت نقدینگی (WC) نیز مطابق پیش بینی به صورت منفی معنادار بود ($p=0.022$). در این ارتباط احمد و گودوین (۲۰۰۷) نیز دریافتند که شرکت های تجدیدارائه ای نسبت سرمایه در گردش کمتری نسبت به میانگین صنعت دارند. مطابق نتایج تحقیقات قبلی (اخیج و م. ۲۰۰۵؛ اقبال و استروننگ، ۲۰۱۰) اندازه شرکت (Size) بطور مثبت با تجدیدارائه سود حسابداری مرتبط می باشد ($p=0.013$). متغیر صنعت هم برای برخی از صنایع دارای رابطه معنی دار می باشد. این بدین معنا است که احتمال تجدیدارائه میان صنایع مختلف، متفاوت است. نتایج بدست آمده نشان می دهد که از میان سال های مختلف دوره تحقیق (Year)، تنها سال ۸۷، که مطابق آمار توصیفی دارای کمترین تجدیدارائه بود، رابطه معنادار و منفی با تجدیدارائه سود دارد. برای سایر متغیرهای کنترلی شامل نسبت سودآوری (ROA)، رشد فروش (Growth)، عملکرد سال قبل (Loss) همچنین تامین مالی های جدید از محل سهام (StockFing) و بدهی (DebtFing) ارتباط معناداری پیدا نشد.

نتیجه گیری

مطالعات انجام شده نشان می دهند که مکانیزم های قوی حاکمیتی، رفتار فرصت طلبانه مدیریت را کاهش و کیفیت گزارشگری مالی را افزایش می دهد. به همین منظور، یک سری از مکانیزم های حاکمیتی با توجه به ادبیات تحقیق همچنین محیط نهادی ایران انتخاب و رابطه آنها با تجدیدارائه سود حسابداری بررسی شد. نتایج نشان داد که تغییر مدیرعامل، تغییر حسابرس، نوع و تخصص صنعت حسابرس همچنین بزرگترین سهامدار از مهمترین خصوصیات حاکمیتی هستند که با تجدیدارائه سود حسابداری شرکتها در بازار سرمایه ایران وابسته می باشند. بنابراین، یافته های این تحقیق از این عقیده که مکانیزم های حاکمیت شرکتی راه علاجی برای بهبود کیفیت گزار شگری مالی می باشد (لیگو، ۲۰۰۳؛ اقبال و استروننگ، ۲۰۱۰) طرفداری می کند. نتایج این تحقیق همچنین نشان داد برخی خصوصیات مالی شرکت ها (نسبت جریان وجوه نقد عملیاتی، نسبت نقدینگی و اندازه شرکت) نیز از عوامل مرتبط با تجدیدارائه های حسابداری می باشند.

با توجه به اهمیت موضوع حاکمیت شرکتی در سطح بین‌المللی، بخصوص؛ در بین کشورهای در حال توسعه، نتایج این مطالعه هم از بعد کاربردی و هم از بعد تئوری می‌تواند مفید باشد. از بعد نظری، در حالی که مطالعات قبلی، موضوعات مختلف حاکمیتی را بررسی نموده‌اند، بطور مقایسه‌ای تحقیقات کمتری مرتبط با تجدیدارائه‌های حسابداری خصوصاً در کشورهای در حال توسعه انجام شده است (عبداله و م.ه، ۲۰۱۰). مطابق بررسی انجام شده، این مطالعه نخستین تحقیق تجربی مرتبط با عوامل تبیین‌کننده تجدیدارائه‌ها در بازار سرمایه ایران می‌باشد. این مطالعه می‌تواند به ادبیات تحقیق حاکمیت شرکتی، کیفیت گزارشگری مالی و به خصوص تجدیدارائه‌های حسابداری در زمینه کشورهای در حال توسعه کمک کند.

منابع

- آقایی، محمد علی . چالاکي، پری . ۱۳۸۸. "بررسی رابطه بین ویژگی های حاکمیت شرکتی و مدیریت سود در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اور اق بهادار تهران"، *تحقیقات حسابداری*، ش. ۴، ص. ۵۴-۷۷.
- ابراهیمی کردلر، علی؛ سیدی، سید عزیز. (۱۳۸۷). "نقش حسابرسان مستقل در کاهش اقلام تعهدی اختیاری"، *بررسی های حسابداری و حسابرسی*، دوره ۵۴، ش ۵۴، ص ۳-۱۶.
- اعتمادی، حسین . محمدی، امیر . و ناظمی اردکانی، مهدی . (۱۳۸۸). "بررسی رابطه میان تخصص صنعت حسابرس و کیفیت سود در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران" *پژوهش های حسابداری مالی*، ش. ۲۱، ص. ۱۷-۳۲.
- بولو، قاسم؛ مهام، کیهان. و گودرزی، اسماعیل. (۱۳۸۹). "تغییر حسابرس مستقل و شفافیت اطلاعاتی شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، *مجله دانش حسابداری*، شماره ۱، ص ۱۱۱-۱۳۵.
- پورحیدری، امید؛ همتی، داود. (۱۳۸۳). "بررسی اثر قراردادهای بدهی، هزینه های سیاسی، طرح های پاداش، و مالکیت بر مدیریت سود در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، *بررسی های حسابداری و حسابرسی*، ش ۳۶، ص ۴۷-۶۳.
- حساس یگانه، یحیی؛ یزدانیان، نرگس. ۱۳۸۷. "تأثیر حاکمیت شرکتی بر کاهش مدیریت سود"، *مطالعات حسابداری*، ش. ۱۷، ص. ۱۵۱-۱۷۱.
- سازمان بورس و اوراق بهادار، سیستم جامع اطلاع رسانی ناشران (شبکه کدال) به نشانی اینترنتی: www.codal.ir.
- سازمان بورس و اوراق بهادار، مدیریت پژوهش، توسعه و مطالعات اسلامی به نشانی اینترنتی: www.rdis.ir.
- نقعی، علی؛ بهارمقدم، مهدی. (۱۳۸۷). "محرك های موثر بر مدیریت سود"، *مجله توسعه و سرمایه*، سال اول، ش ۲، ص ۱۰۳-۱۲۵.
- قانون تجارت ایران، مصوب ۱۳/۰۲/۱۳۱۱.
- Abdullah, S.N; Mohamad Yusof, N.Z.; and Mohamad Nor, M.N.(2010). "Financial restatements and corporate governance among Malaysian listed companies", *Managerial Auditing Journal*, Vol.25, No.6, pp.526-552.
- Agrawal, A. and Chandha, S. (2005). "Corporate governance and accounting scandals", SSRN Working Papers Series.

- Agrawal, A; Cooper, T.(2008). "*Corporate governance consequences of accounting scandals: evidence from top management, CFO and auditor turnover*", SSRN Working Papers Series.
- Ahmed, K; Goodwin, J.(2007). "*An empirical investigation of earnings restatements by Australian firms*", Accounting and Finance 47, pp1-22.
- Akhigbe, A.; Kudla, R.J.; and Madura, J.(2005). "*Why are some corporate earnings restatements more damaging?*", Applied Financial Economics 15, pp.327-336.
- Al-Abbas, M.A. (2009), "Corporate governance and earnings management: An empirical study of the Saudi market", *The Journal of American Academy of Business*, Vol. 15 No.1, pp.301-310.
- Anderson, K.L. and Yohn, T.L.(2003). "*The effect of 10-K restatements on firm value, information asymmetries, and investors' reliance on earnings*", SSRN Working Papers Series, Pgs.30.
- Baber, W.R. Kang, S. and Liang, L.(2006). "*Strong boards, external governance and accounting restatement*", SSRN Working Papers Series.
- Baber, W.R.; Gore, A.K; Rich, K.T; and Zhang, J.X.(2010). "*An empirical investigation of accounting restatements and governance in the municipal context*", SSRN Working Papers Series, Pgs.50.
- Bagherpour, M; Monroe, G.S; and Shailer, G.(2009). "Auditor switching in an increasingly competitive audit market", SSRN Working Papers Series, Pgs31.
- Balsam, S; Krishnan, J; and Yang, J.S.(2003). "Auditor industry specialization and earnings quality ", SSRN Working Papers Series, Pgs.46.
- Bloomfield, D. and Shackman, J.(2008). "Non-audit service fees, auditor characteristics and earnings restatements", *Managerial Auditing Journal* Vol.23, No.2, pp.125-141.
- Carcello, J.V; Negal, T.L; Palmrose, Z. and Scholz, S.(2009). "CEO involvement in selecting board member, audit committee effectiveness, and restatements", SSRN Working Papers Series, Pgs54.
- Chen, G. Firth, M. Gao, D.N. and Rui.(2006). "Ownership structure, corporate governance, and fraud: Evidence from China", *Journal of Corporate Finance* 12, pp. 424-448.
- Dechow, P.M; Sloan, R.G; and Sweeney,A.(1996). "Causes and consequences of earnings manipulation: An analysis of firms subject to enforcement actions by the SEC", *Contemporary Accounting Research* 13, pp. 1-36.

- Donaldson, L.; Davis, J.H.(1991). "Stewardship theory or agency theory: CEO governance and shareholder returns", *Australian Journal of Management*, 16,1, pp49-64.
- Efendi, J; Srivastava, A; and Swanson, E.P.(2004). "Why do corporate managers misstate financial statements? The role of option compensation, corporate governance, and other factors", SSRN Working Papers Series, Pgs37.
- Fan, J.P.H and Wong, T.J.(2002). "Corporate ownership structure and the informativeness of accounting earnings in East Asia", *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 33, pp. 401-425.
- Firth, M. Fung, P.M.Y. and Rui, O.M. (2007). "Ownership, two-tier board structure, and the informativeness of earnings: Evidence from China", *Journal of Accounting and Public Policy* 29, pp. 463-496.
- Gul, F.A.; Fung, S.Y.; and Jaggi, B.(2009). "Earnings quality: Some evidence on the role of auditor tenure and auditors' industry expertise", *Journal of Accounting and Economics* 47, pp.265–287.
- Heninger, W.G; Kim, Y; and Nabar, S. (2009). "Earnings misstatements, restatements, and corporate governance", *Journal of Forensic & Investigative Accounting*, Vol. 1, Iss. 2, pgs. 35.
- Iqbal, A. Strong, N.(2010), "The effect of corporate governance on earnings management around UK rights", *International Journal of Managerial Finance*, Vol. 6. No. 3. Pp. 168-189.
- John, K and Senbet, L.W.(1998), "Corporate governance and board effectiveness", *Journal of Banking and Finance*, Vol. 22, pp.371-403.
- Larcker, D.F., Richardson, S.A. and Yuna, I.(2007). "Corporate governance, accounting outcomes, and organizational performance", working paper, SSRN Working Papers Series.
- Ligo, L.(2003). "An Empirical Research on the Relationship between Corporate Governance and the Quality of Accounting Information", Accounting Research 02.
- Liu, Y.(2006). "Does institutional investor composition influence managerial myopia? The case of accounting restatements", Ph.D, University of Oregon.
- Myers, J.N; Myers, L.A; and Palmrose, Z.(2003). "Mandatory auditor rotation: Evidence from restatements", SSRN Working Papers Series, pgs,41.
- Pergola, T.M.(2006). "Management entrenchment, corporate governance, and earnings quality", Ph.D Dissertation from Nova Southeastern University.
- Plumlee, M. and Yohn, T.L.(2010). "An analysis of the underlying causes attributed to restatements", *Accounting Horizons*, Vol.24, No.1, pp.41-64.

- Saleh, N.M; Iskandar, T.M; Rahmat, M.M.(2005). "Earnings management and board characteristics: evidence from Malaysia", *Jurnal Pengurusan* 24, pp. 77-103.
- Xia, W.(2006). "Accounting restatement: A comparison between China and USA", *Journal of Modern Accounting and Auditing*, Vol.2, No.10, pp.10-15.
- Zhong, K; Gribbin, D.W; and Zheng, X.(2007). "*The effect of monitoring by outside blockholders on earnings management*", Quarterly Journal of Business and Economics.